



## تحلیل و نقد افتراقی بودن دادرسی نظامی

\*حامد عطارنیا \*دکتر رجب گلدوست جویباری \*\*\*دکتر محمد علی اردبیلی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۱

### چکیده

دادرسی افتراقی از اصطلاحاتی می‌باشد که در علم حقوق دارای جایگاه خاصی بوده و به جهت محدود بودن گستره فعالیت، صلاحیت و افراد تحت الشمول خود به نسبت دادرسی عمومی کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ فلسفه وجودی و چرایی تشکیل و سازماندهی محکمه‌ای اختصاصی جهت رسیدگی به جرایم افراد نظامی ممکن است ذهن هر حقوقدان و غیرحقوقدانی را به خود مشغول داشته و این سؤال را با خود مطرح نماید که دلایل و علل ایجاد تفکیک و انشقاق بین افراد نظامی و افراد عادی در نحوه و شکل رسیدگی به جرایم گاهاً یکسان چیست و چرا یک فرد نظامی به هنگام ارتکاب جرم می‌بایست در محاکمی اختصاصی و جدای از سایر افراد بر مسند پاسخگویی بنشیند و در برابر اتهامات وارده از خود دفاع نموده و در صورت احراز جرم و محکومیت به شیوه و روشی متفاوت از سایر افراد عادی مجازات شده و در صورت لزوم مدت زمان حبس خود را در زندان‌هایی سوای از سایر زندانیان عادی بگذراند؛ آنچه که در این مقاله تحت با روش تحلیلی - توصیفی مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد، تحلیل و نقد افتراقی بودن دادرسی نظامی خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** دادرسی افتراقی، ارتش، محاکم عسکریه، دیوان حرب، ژاندارمری، شهربانی، دادستان ارتش.

\*کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

\*\*دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

\*\*\*استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

## مقدمه

دادرسی نظامی، یکی از دادرسی‌های اختصاصی چهارگانه در نظام حقوقی ایران می‌باشد که در مقایسه با سایر دادرسی‌های افتراقی از پیشینه و سابقه‌ی بیشتری برخوردار بوده و یکی از نمونه‌های بارز دادرسی افتراقی در نظام حقوقی ایران و سایر کشورهای جهان می‌باشد. به جرأت می‌توان ادعا نمود که اولین مصداقی که از عنوان دادرسی اختصاصی یا افتراقی در ذهن پدیدار می‌گردد، دادرسی نظامی بوده و بقیه در رده‌های بعدی این عنوان قرار می‌گیرند. اهمیت شناخت دادرسی نظامی را می‌توان تابع اهمیت اصول، تشکیلات، آرمان‌ها و اهداف نیروهای مسلح دانست که به عنوان رکن رکین هر کشور و حافظ امنیت و آسایش مردم فعالیت می‌نمایند؛ دادرسی نظامی را می‌توان به عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مصداق دادرسی افتراقی در نظام حقوقی ایران و سایر کشورها برشمرد. گستردگی افراد تحت الشمول و همچنین قدرت و نفوذ بالای افراد نظامی در هر کشوری به عنوان یکی از ارکان اصلی آن، می‌تواند به مراجع قضایی نظامی قدرت بیشتری را نسبت به سایر مراجع بدهد که این امر جایگاه والای این مراجع را در میان سایر نهادهای قضایی نشان می‌دهد؛ آنچه که از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد و لازم است بدان پرداخته شود بررسی علل و عواملی است که منجر به تفکیک دادرسی نظامی از دادرسی عمومی می‌گردد. بدین معنا که فلسفه‌ی جدایی دادرسی نظامی از دادرسی عمومی چیست و چرا لازم است که افراد نظامی جدای از سایر افراد عادی محاکمه و مجازات گردند. در مباحث ذیل به بررسی علل و عوامل افتراقی بودن دادرسی نظامی پرداخته خواهد شد.

## گفتار اول: دارا بودن ماهیت خاص

آنچه که قانون در تعریف جرم ارائه می‌نماید هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است و طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات، هیچ رفتاری جرم محسوب نمی‌گردد مگر آنکه قانون آن را جرم دانسته باشد

و هیچ مجازاتی اعمال نمی‌گردد مگر آن که قانون شرایط و میزان آن را تعیین نموده باشد. بنابراین آنچه که در تعیین جرم و مجازات ملاک عمل می‌باشد قانون است. قانون که توسط قانونگذار وضع و تدوین می‌گردد یا برای عموم افراد جامعه است یا برای افراد محدودی از این جامعه که در حالت اول تمامی افراد را صرف نظر از سن، جنسیت، شغل و شرایط خاص هر فرد در برمی‌گیرد و قانونی عام الشمول می‌باشد و در حالت دوم مختص قشر خاصی از افراد جامعه با در نظر گرفتن سن، جنسیت، شغل، صنف و... می‌باشد که معمولاً تحت عنوان قانون خاص از آن یاد می‌شود.

قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح که هم اکنون منبع اصلی حقوق و تکالیف افراد نظامی می‌باشد و جرایم و تخلفات و مجازات‌های آنان در این قانون تعیین گردیده است را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق قانون خاص معرفی نمود.<sup>۱</sup> بدین معنا که قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مختص افراد نظامی بوده و شامل حال افراد غیرنظامی نمی‌گردد. با نگاهی به مواد مندرج در این قانون که عموماً با عنوان «هر نظامی» شروع می‌گردد می‌توان به خاص بودن این قانون پی برد.

به همین جهت اعمال مجازات از سوی مرجع قضایی صرفاً می‌بایست به موجب همین قانون خاص باشد و نمی‌توان شخص نظامی که تابع قانون خاص می‌باشد را در جرایمی که در حین خدمت مرتکب می‌گردند مطابق با قانون عام مجازات نمود مگر آن که قانون خاص در خصوص جرم صورت گرفته مسکوت باشد. به عنوان مثال جرایمی همچون ارتشاء و اختلاس هم در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح پیش بینی گردیده است و هم در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، حال اگر شخص نظامی مرتکب چنین جرایمی گردد لازم است مطابق با قانون خاص خود که به مراتب شدیدتر از قانون عام هم می‌باشد مجازات گردد.

---

۱. عباس؛ تدین، قانون آیین دادرسی کیفری نیروهای مسلح ایران و فرانسه، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴، ص ۱۹.

۲۰۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

منظور از اینکه گفته می‌شود جرایم نظامی دارای ماهیت خاص می‌باشند<sup>۱</sup> و ما در اینجا به عنوان یکی از علل و دلایل افتراقی بودن دادرسی نظامی مطرح نموده‌ایم این است که ماهیت جرایم نظامی به گونه‌ای است که صرفاً از سوی شخص نظامی قابل ارتکاب می‌باشد. به عبارتی دیگر ارتکاب جرم نظامی از سوی شخص عادی یا اصلاً امکانپذیر نمی‌باشد و اگر هم امکان ارتکاب وجود داشته باشد در خارج از سیستم نظامی واجد جنبه کیفری نمی‌باشد.

به عنوان مثال ارتکاب جرایمی همچون فرار از خدمت، لغو دستور، توهین به مافوق، ترک پست نگهبانی و... به دلیل عدم ارتباط با نهادهای نظامی از سوی شخص عادی امکان پذیر نمی‌باشد. همچنین ارتکاب جرایمی همچون خودزنی توسط افراد غیرنظامی هر چند قابل ارتکاب می‌باشد، اما به جهت این که در قانون مجازات اسلامی جرم انگاری نشده است، قابل مجازات نمی‌باشد.

به موازات پیشرفت علوم مختلف و دستیابی انسان به فناوری های جدید، علم حقوق هم پا به پای سایر علوم در مسیر تکامل خود پیش می‌رود و روز به روز همانند درختی که تنومندتر می‌گردد پربارتر و کامل‌تر می‌شود. به همین جهت علم حقوق هم همانند سایر علوم، تخصصی شده است و لازم است هر شخص در حوزه خاصی از این رشته به مطالعه و تحصیل پردازد. وجود رشته‌های مختلفی همچون جزا و جرم شناسی، حقوق خصوصی، حقوق محیط زیست و مالکیت فکری و ... حاکی از این امر می‌باشد که کار در هر یک از این زمینه‌ها نیازمند مطالعه و تحصیل در آن رشته بوده و وسعت هر یک از این گرایش‌ها در حدی می‌باشد که عموماً نمی‌توان به صورت هم‌زمان در تمامی امور متخصص شد.

بنابراین هم اکنون مسئولین امر قضا به این نتیجه رسیده‌اند که به منظور رسیدگی هر چه بهتر و تخصصی‌تر به پرونده‌های کیفری، لازم است که شعب یا مجتمع‌هایی

---

۱. عباس، تدین، نگاهی به جرایم و مجازات‌های نیروهای مسلح ایران و فرانسه. تهران: خرسندی، ۱۳۹۰، ص ۲۷.

تشکیل یابند و به رسیدگی به پرونده‌های دارای ماهیت خاص و ویژه رسیدگی نمایند. ارجاع پرونده‌هایی با موضوع خاص به یک شعبه توسط معاون ارجاع دادرسی و همچنین تشکیل دادرسی‌های ویژه جرایم خاص همچون دادرسی ویژه جرایم رایانه‌ای، دادرسی ویژه امور جنایی، دادرسی ویژه امور پزشکی و ... در شهرهای بزرگ کشور را اقدامی در جهت تخصصی نمودن رسیدگی‌های کیفری در نظر گرفت.

تخصصی نمودن رسیدگی‌ها فواید متعددی دارد که مهمترین فایده‌ی آن کاهش اشتباهات قضایی ناشی از عدم آگاهی قضات از قوانین، تسریع در روند رسیدگی و احقاق حقوق متهم و رسیدن به دادرسی منصفانه می‌باشد. روندی که تاکنون پیش گرفته شده است چنانچه ادامه یابد، تخصصی شدن دادرسی‌ها و دادگاه‌های کیفری در تمامی حوزه‌های قضایی و جرایم گوناگون گسترده خواهد شد.<sup>۱</sup>

هر چند تخصصی بودن رسیدگی امری غیر از اختصاصی بودن آن می‌باشد و این دو عنوان دارای تفاوت‌های زیادی می‌باشند، اما شاید بتوان یکی از دلایلی که به عنوان فلسفه و چرایی اختصاصی بودن دادرسی نظامی مطرح نمود تخصصی نمودن رسیدگی می‌باشد. به این معنی که رسیدگی به جرایم نظامی نیز همانند سایر جرایم نیازمند به تخصص و آگاهی در امور نظامی می‌باشد. هر فردی قادر به شناخت ریزه کاری‌ها و تمامی ابعاد جرم نظامی نخواهد بود و لازم است قضاوت در این خصوص را یا به شخص نظامی داد و یا از کارشناسان دادگستری در امور نظامی استفاده نمود و یا چنانچه قرار است قاضی عمومی به این قبیل پرونده‌ها رسیدگی نماید در این امر تخصص یابد.

پس به طور کلی و خلاصه می‌توان گفت که یکی از علل و عوامل اصلی افتراقی بودن دادرسی نظامی دارا بودن ماهیت خاص و تخصصی بودن رسیدگی می‌باشد که زمینه را به منظور رسیدگی هر چه بهتر و سریعتر به پرونده‌های متهمین با ضرب خطای کمتر و دانش بیشتر فراهم می‌نماید.

---

۱. غلامحسین، عسگری، دادرسی‌های اختصاصی کیفری. تهران: خرسندی، ۱۳۹۰، ص ۶۱.

## گفتار دوم: اصل سرعت در رسیدگی

از دیگر دلایلی که می‌توان در بررسی علل و عوامل افتراقی بودن دادرسی نظامی ارائه نمود اصل سرعت در رسیدگی می‌باشد. اصل سرعت عمل در یگان‌های نظامی نقش کلیدی و مهمی را در مأموریت‌های نیروها در زمان صلح و جنگ ایفا می‌نماید. این اصل تا حدی اهمیت دارد که حتی در آموزش‌های بدو خدمت نظامیان نیز آموخته می‌شود که بتوانند در کمترین زمان ممکن نسبت به انجام مأموریت خود اقدام نمایند. آموزش‌هایی همچون سرعت عمل در پوشیدن لباس رزم، غذا خوردن، طی مسیر تا محل مأموریت، باز و بسته کردن اسلحه و تعمیر آن‌ها، به خط شدن و ارائه‌ی آمار یگانی، استقرار و ضد استقرار و ... همگی شاهدی بر اهمیت اصل سرعت در یگان‌های نظامی می‌باشد.

این اصل در زمان جنگ و در مواجهه با تجاوزهای دشمنان به مرزهای سرزمینی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و لازم است نیروهای نظامی در سریع‌ترین زمان ممکن واکنش نشان داده و اقدام به مقابله نمایند. هرگونه تأخیر و سهل‌انگاری در این امر ممکن است منجر به آسیب‌های غیرقابل جبران و تجاوز دشمن به خاک سرزمینی گردد. بنابراین اصل سرعت عمل در نیروهای مسلح امری غیرقابل انکار می‌باشد.

اصل سرعت در رسیدگی به پرونده‌های قضایی نیروهای نظامی نیز به همین میزان واجد اهمیت می‌باشد. همانطور که توضیح داده شد سرعت عمل در نیروهای نظامی یکی از اصول مهم تلقی می‌گردد و هر کس از افراد نظامی مرتکب عملی خلاف قانون گردد لازم است در سریع‌ترین زمان ممکن با وی برخورد قانونی صورت پذیرد. چنانچه قرار باشد اتهام فرد نظامی در دادسراها و دادگاه‌های عمومی تحت رسیدگی قضایی قرار گیرد به دلیل اینکه مراجع عمومی به نسبت مراجع اختصاصی با حجم بسیار بیشتری از پرونده‌ها رو به رو می‌باشند حتی اگر قرار باشد خارج از نوبت نیز رسیدگی شود نیازمند صرف زمان بسیار زیادی می‌باشد و از طرفی در هر مرحله از

رسیدگی حضور شخص نظامی در مراجع قضایی لازم می‌باشد که این امر منجر به اختلال در مأموریت خطیر شخص نظامی می‌گردد.

تأخیر در روند رسیدگی به پرونده‌های کیفری و اطاله دادرسی هر چند تبعات متعددی را در دادرسی عمومی در برخواهد داشت، اما این تبعات برای نیروهای نظامی به مراتب بیشتر خواهد بود. یکی از تبعاتی که اطاله دادرسی می‌تواند داشته باشد کم رنگ شدن جنبه‌ی تنبیهی و بازدارندگی مجازات برای شخص مجرم می‌باشد، به گونه‌ای که می‌توان اذعان نمود که هر چقدر مجازات مجرم دیرتر صورت پذیرد به تبع آن اثرات مجازات نیز کاسته خواهد شد. هنگامی که نظم و انضباط نیروهای نظامی به دلیل ارتکاب جرم با مشکل مواجه می‌گردد، امنیت عموم افراد جامعه اقتضای آن دارد که در سریع‌ترین زمان ممکن با عامل به وجود آورنده مشکل برخورد قانونی صورت پذیرد تا هر چه زودتر نظم و انضباط مجدداً حاکم گردد.<sup>۱</sup>

شخصی را در نظر بگیریم که در زمان درگیری مسلحانه و در بحبوحه‌ی جنگ در جمع سایر افراد نظامی به مافوق خود اهانت نماید و مرتکب لغو دستور گردد، این اقدام نه تنها منجر به شکسته شدن شخصیت و هتک حیثیت فرمانده در میان سایر زیردستان می‌گردد، بلکه موجب کاهش اطاعت پذیری و سرکشی در میان سایر افراد می‌شود. لذا چنانچه در اسرع وقت با این عملکرد شخص خاطی برخورد مقتضی صورت نپذیرد نظم و انضباط یگان در معرض خطر خواهد بود. حال اگر قرار باشد پرونده اتهامی وی از منطقه درگیری به دادسرای عمومی ارجاع گردد و پس از آن در نوبت رسیدگی میان سایر پرونده‌ها قرار گیرد و پس از مدت زمان طولانی و مثلاً پس از جنگ و درگیری رأی به محکومیت وی صادر و نهایتاً مجازات گردد، این مجازات همانند نوش دارو پس از مرگ سهراب خواهد بود و اثر تنبیهی آن در زمانی که لازم و

۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک به اسکندری، محمدرضا (۱۳۸۱) سیر تحول صلاحیت دادگاه‌های نظامی از سال ۱۳۱۸ الی ۱۳۷۳ در ایران، ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره ۳۱.

۲۱۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

مور نیاز بوده به دست نیامده است. بنابراین در این زمان است که به نقش مهم سرعت عمل در برخورد و مجازات شخص نظامی پی خواهیم برد.

مراجع قضایی نظامی به جهت داشتن صلاحیت اختصاصی و پایین‌تر بودن جامعه آماری به نسبت مراجع عمومی، با حجم کمتری از پرونده‌ها روبه‌رو هستند و به همین دلیل قضات این دادگاه‌ها با فراغت بال بیشتری می‌توانند به رسیدگی به این پرونده‌ها بپردازند، این امر نه تنها منجر به بالا رفتن سرعت می‌گردد بلکه دقت در رسیدگی‌ها را نیز افزایش می‌دهد. ضمن اینکه امکان تشکیل شعبه یا شعبی از دادرسی نظامی در محل استقرار تیپ‌های مستقل رزمی و بالاتر و یا رده هم تراز آن‌ها در سایر نیروها برای مدت معین<sup>۱</sup> و همچنین تشکیل دادگاه‌های نظامی زمان جنگ در محل قرارگاه‌های عملیاتی<sup>۲</sup> از جمله مواردی است که جدای از سایر مزایا موجب تسریع در امر رسیدگی به پرونده و مجازات خاطیان خواهد شد.

### گفتار سوم: اصل لزوم دانش نظامی

داشتن دانش نظامی به منظور رسیدگی به پرونده‌های کیفری نظامی از دیگر دلایلی است که می‌توان به عنوان یکی از علل افتراقی بودن دادرسی نظامی برشمرد. در تمامی پرونده‌های قضایی لازم است قاضی رسیدگی کننده به پرونده با موضوع رسیدگی آشنایی کافی داشته باشد تا بتواند در خصوص آن به درستی تصمیم‌گیری نماید. به عنوان مثال رسیدگی به جرایم رایانه‌ای توسط قاضی دادگاه نیازمند داشتن حداقل اطلاعاتی از علم رایانه و آشنایی با سیستم‌های نرم افزاری و یا سخت افزاری عندالاقضاء می‌باشد.

در دنیای امروز دانش نظامی هم همانند سایر علوم و فنون و هم پای آن‌ها در جهت تکامل و پیشرفت قدم بر می‌دارد و روزبه روز بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود. به گونه

۱. ماده ۵۸۹ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح مصوب ۹۳

۲. ماده ۵۹۰ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح مصوب ۹۳



ای که کسب این علم نیازمند انتخاب رشته‌های تحصیلی مرتبط و چندین سال تحصیل در دانشگاه‌های نظامی و طی دوره‌های آموزشی تئوری و عملی در مکان‌های متعدد و مختلف به مدت طولانی می‌باشد. با توجه به اینکه قضات دادگستری در این رشته‌ها تحصیل ننموده‌اند و اطلاعاتی در خصوص دانش نظامی ندارند به همین جهت در رسیدگی به پرونده‌هایی که نیازمند تخصص در این امور می‌باشد با مشکل مواجه خواهند شد. لذا بهترین راهکار در این موارد استفاده از کارشناسان دادگستری خبره در امور نظامی یا قضات آگاه به این امور می‌باشد.

استفاده از کارشناس دادگستری در تمامی پرونده‌های حقوقی و کیفری امری متداول می‌باشد و قضات دادگستری در زمینه‌های تخصصی به نظرات این کارشناسان مراجعه و بر اساس نظر آن‌ها تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نمایند. اما راهکار دیگری که در خصوص دادگاه‌های نظامی می‌تواند راه را برای دادرسی عاری از خطا و اشتباه و تصمیم‌گیری منصفانه هموار سازد استفاده از قضاتی می‌باشد که نه فقط در علم حقوق و قضاوت تخصص دارند، بلکه به امور نظامی نیز آشنایی کافی داشته باشند.

مطابق با تبصره ذیل ماده ۴ و مواد ۸ و ۹ قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۶۴/۲/۲۲ که مستند به ماده ۶۹۸ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۹۳، جزو مستثنیات نسخ این قانون شناخته شده‌اند اعلام شده در دادگاه نظامی یک، رییس یا دادرس علی‌البدل اعم از اینکه نظامی باشد یا غیر نظامی، مشاور از میان حقوقدانان نظامی تعیین می‌گردد و مکلف است قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نموده و نظرات خود را مستلاً به صورت کتبی اعلام نماید. همچنین در ماده ۸ آورده است در کنار هر دادگاه نظامی، یک دادسرا مرکب از یک دادستان و به تعداد کافی بازپرس و دادیار و کارمند دفتری زیر نظر دادستان کل کشور وجود خواهد داشت. اولویت در تصدی سمت‌های قضایی در دادگاه‌های نظامی با حقوقدانان نظامی است. در ماده ۹ این قانون نیز اعلام شده

نیروهای نظامی و انتظامی بنا به پیشنهاد رییس سازمان قضایی مکلف به انتقال حقوقدانان نظامی و پرسنل مورد لزوم به این سازمان هستند.

با عنایت به موارد فوق می‌بینیم که اولاً در دادگاه‌های نظامی یک، وجود مشاور که از حقوقدانان نظامی انتخاب می‌گردد الزامی بوده و لازم است نظرات مشاوره‌ای در خصوص پرونده ارائه نماید. ثانیاً اولویت در تصدی سمت‌های قضایی در دادسرا و دادگاه نظامی با حقوقدانان نظامی بوده و ثالثاً در صورت پیشنهاد سازمان قضایی به نیروهای نظامی مبنی بر انتقال حقوقدانان نظامی به سازمان قضایی، نیروها مکلف به اجرای این پیشنهاد می‌باشند. بنابراین آنچه که از فحوای این مواد در ذهن خطور می‌نماید تلاش قانونگذار در جهت استفاده از قضات نظامی در این دادسراها و دادگاه‌ها می‌باشد به جهت آشنایی این افراد با مسائل، عرف و محیط نظامی می‌باشد.

حقوقدانان نظامی سابقه خدمت در یگان‌های رزمی یا غیر رزمی را داشته و هم در مدت آموزش و هم در طول خدمت نسبت به امور و دانش نظامی آشنایی پیدا نموده‌اند. از طرفی یگان‌های نظامی دارای عرف خاصی می‌باشند که آشنایی با این عرف کمک شایانی در جهت رسیدگی به پرونده‌ها می‌نماید، چرا که یکی از منابع حقوق نظامی عرف می‌باشد و شامل مواردی از قبیل آداب نظامی، مفاهیم و اصطلاحات رایج در بین نظامیان، ایمان و عقاید و شیوه تفکرات آن‌ها و آنچه که واجد اهمیت یا عدم اهمیت می‌باشد می‌گردد.

آشنایی حقوقدانان نظامی با مصائب و سختی‌های شغلی نظامی و تجربه نمودن برخی از مشکلات آن هر چند به صورت کوتاه مدت هم که باشد راه را برای رسیدگی منصفانه‌تر به پرونده و درگیر نمودن وجدان قاضی هموار می‌سازد. به عنوان مثال حقوقدانان نظامی ممکن است در برهه‌ای از زمان خدمت آموزشی خود تجربه پست نگهبانی در سرما یا گرمای غیرقابل تحمل را با تجهیزات و اسلحه و مهمات داشته باشد و با سختی‌ها و مشکلات طاقت فرسای آن آشنایی کامل داشته باشد، حال اگر این فرد بر مسند قضاوت بنشیند و شخصی را که متهم به ترک پست نگهبانی می‌باشد را

بنخواهد محاکمه نماید قطعاً و به صورت ناخودآگاه تجربیات وی در این زمینه منجر به رسیدگی منصفانه‌تر و وجدانی‌تر خواهد شد و ممکن است برخورد توأم با تساهل و اغماض با این فرد به عدالت نزدیکتر باشد. حال اگر قرار بر این باشد که چنین اتهاماتی توسط قاضی دادگاه عمومی که هیچگونه اطلاعات و تجربیاتی از دانش نظامی و مسائل و عرف آن ندارد رسیدگی شود به طور قطع و یقین در این امر با مشکل مواجه خواهد شد و رأی صادره توسط وی سرتاسر ایراد خواهد بود.

بنابراین یکی دیگر از دلایلی که می‌توان به عنوان فلسفه و چرایی دادرسی افتراقی نظامی برشمرد استفاده از قضات نظامی آشنا به اصول و مفاهیم و تجربیات نظامی‌گری می‌باشد که هم در مرحله‌ی تعقیب و تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله‌ی دادگاه و تجدیدنظر مشغول می‌باشند و به رسیدگی به پرونده‌ها می‌پردازند.

### گفتار چهارم: حفظ کرامت و شئون نظامی

نیروهای نظامی از قدیم الایام تاکنون در بین اقشار مختلف مردم از احترام و جایگاه خاصی برخوردار بوده‌اند. این جایگاه را تا حدودی می‌توان مدیون زحمات شبانه روزی افراد نظامی در جهت حفظ و پاسداری از قلمرو حاکمیتی و مرزهای سرزمینی و تحمل سختی‌هایی دانست که در جهت حفظ امنیت و آرامش ملت در مقابل تجاوزات دشمنان می‌باشد. همچنین روحیه پهلوانی، شجاعت، جنگجو بودن، وفاداری و جان دادن در راه خاک و ناموس و وطن از آغاز آفرینش انسان بر روی زمین از حرمت و قداست خاصی برخوردار بوده و هر کس که در این مسیر تلاش می‌نموده است به پاس این آرمان‌های با ارزش، از احترام و جایگاه بالایی در بین سایر مردم برخوردار بوده است.

جدای از نیروهای نظامی که کانون توجه آن‌ها بیشتر به مرزهای بین‌المللی و فراسرزمینی می‌باشد، نیروهای انتظامی نیز که برای حفظ آرامش و امنیت داخلی نیز تلاش مستمر داشته و دارند و در راه مقابله با مجرمین و متجاوزین به حریم عمومی و

خصوصی آحاد ملت تا پای جان می‌ایستند و از حقوق آن‌ها دفاع می‌نمایند از این حرمت و جایگاه برخوردار می‌باشند و ثمره‌ی وجود این نیروها در کنار مردم ایجاد نظم و انضباط و آرامش و جلوگیری از هرج و مرج خواهد بود. افراد و کارکنان نظامی و به خصوص انتظامی خود مسئول نظارت بر حسن اجرای قانون بوده و موظفند در برابر هرگونه بی‌قانونی سکوت ننموده و با متخلف از قانون برخورد نمایند. از طرفی قدرت و صلاحیت نیروی انتظامی منجر به ایجاد رعب و دلهره در افراد مجرم شده و حضور کارکنان انتظامی در جامعه خود موجبی برای ایجاد نظم و آرامش در میان مردم خواهد شد.

کارکنان انتظامی در وهله‌ی اول خود می‌بایست پای بند و مجری قانون باشند و به نوعی مصداق اصلی عامل به قانون محسوب گردند و در وهله دوم دیگران را به اطاعت از قانون دعوت نمایند و با بی‌قانونی و تخلف از آن برخورد شایسته نمایند. لذا ارتکاب جرم توسط یک مأمور نیروی انتظامی یا نظامی آثار مخرب‌تری نسبت به سایر افراد عادی در بی‌ارزش نمودن قانون، ریخته شدن قبح قانون شکنی و رواج قانون گریزی خواهد شد. روایتی از حضرت علی (ع) نقل گردیده است که می‌فرمایند هنگامی که عالم فاسد گردد دنیا فاسد می‌گردد. مضمون این سخن این است که انتظار افراد از شخص دانا و عامل به دین یا قانون در حفظ حرمت دین یا قانون به مراتب از سایر افراد بیشتر خواهد و عدم احترام به ضوابط شرع و یا قانون شکنی توسط آنان نیز به مراتب آثار مخرب‌تری را نسبت به سایر افراد خواهد داشت. یکی از فلسفه‌های اصلی ایجاد دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت نیز حفظ شأن و حرمت و جایگاه روحانیون در بین مردم و جلوگیری از بدبین شدن آنان به روحانیت و به تبع آن خراب شدن وجهه‌ی دین و دین‌گریزی است.

بنابراین یکی از دلایلی که منجر به ایجاد دادرسی افتراقی برای افراد نظامی و انتظامی گردیده است، جلوگیری از علنی شدن و برملا شدن ارتکاب جرم توسط این افراد است. حضور فرد نظامی یا انتظامی در مراحل دادرسی به دور از چشمان تیزبین

مردم و در دادگاه اختصاصی منجر به حفظ حرمت و جایگاه فرد نظامی شده و از حیثیت و شئون شغلی وی محافظت می‌نماید. چنانچه قرار باشد که فرد نظامی یا انتظامی همانند سایر مردم و با یونیفرم نظامی در داسراها و دادگاه‌های عمومی حضور یابد و به جرم وی نیز همانند سایر مجرمینی که توسط خود آن‌ها دستگیر یا کشف گردیده است رسیدگی شود، اجر و قرب و جایگاه سابق نیروی نظامی و انتظامی از بین خواهد رفت و حرف شنوی و اطاعت پذیری مردم از این افراد کاسته خواهد شد. در این صورت استنکاف و تمرد متخلفین از مأمورین افزایش چشمگیر داشته و مأمورین با افرادی سر و کار خواهند داشت که دیگر هیچگونه احترامی به آن‌ها نخواهند گذاشت و به راحتی مرتکب تخلف یا جرم شده، بدون اینکه هیچگونه دلهره‌ای داشته باشند. پس به طور کلی نبودن دادرسی افتراقی برای افراد نظامی و انتظامی تبعات متعددی را در پی خواهد داشت که مهمترین آن از بین رفتن شأن و جایگاه نیروهای مسلح در نظر مردم است که منجر به رواج قانون شکنی و قانون گریزی در میان سایر افراد خواهد شد.

### گفتار پنجم: تسهیل ارتباط نیروهای مسلح با مرجع قضایی

یکی از مزایای دادرسی افتراقی که می‌تواند دلیلی بر اختصاصی بودن آن نیز باشد تسهیل ارتباط نیروهای مسلح با مرجع قضایی می‌باشد. منظور از این اصل این است که داسراها و دادگاه‌های نظامی به دلیل داشتن قضات و حقوقدانان نظامی از یک سو و تداوم ارتباط آن با نیروها، یگان‌ها، ارگان‌ها و نهادهای متعدد نیروهای مسلح نسبت به آن‌ها آشنایی کامل داشته و به همین جهت به راحتی می‌توانند با آن‌ها ارتباط برقرار نمایند.<sup>۱</sup> در حالیکه سایر مراجع قضایی این آشنایی را نداشته و ممکن است در برقراری

۱. عباس، زراعت، تفکیک جرم نظامی و عادی و اثر آن در صلاحیت مرجع قضایی، ماهنامه ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره ۵۱، ۱۳۸۴، ص ۷۱.

ارتباط با آن‌ها مشکلاتی را پیش رو داشته باشند. ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که دو نیروی نظامی اصلی کشور می‌باشند هر یک از چهار نیرو تشکیل یافته‌اند. نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی و پدافند هوایی چهار نیرویی هستند که همگی در ذیل ستاد فرماندهی کل فعالیت می‌نمایند. ستاد فرماندهی کل و هر یک از این نیروها از ادارات متعددی تشکیل شده‌اند که در زمینه خاصی فعالیت دارند، ضمن اینکه هر یک از این نیروها و عمدتاً نیروی زمینی دارای لشکر و تیپ‌های مستقلی می‌باشد که در سراسر کشور گسترده شده‌اند. به همین جهت مرجع قضایی برای احضار یک شخص نظامی نیازمند آشنایی با یگان‌ها و دفاتر حقوقی و قضایی آن‌ها، سلسله مراتب فرماندهی، درجات و مشاغل نظامی و ... می‌باشد که این شناخت برای سایر مراجع قضایی عمومی ممکن است تا حدودی مشکل آفرین باشد. همچنین انجام امور مربوط به کارشناسی، معاینه محل و تحقیقات محلی در رسیدگی به برخی از پرونده‌های نظامی نیازمند شناخت مقررات داخلی و پادگانی می‌باشد که لازم است مرجع قضایی در صدور چنین قرارهایی آشنایی کاملی نسبت به آن‌ها داشته باشد.

نمایندگان حقوقی و قضایی هر یک از نیروها حلقه‌ی ارتباطی فیما بین یگان خدمتی و مراجع قضایی نظامی هستند که عموماً در این مراجع تحت عنوان رابطین نظامی شناخته می‌شوند و در تمامی پرونده‌های تحت رسیدگی به عنوان نماینده‌ی تام‌الاختیار فرمانده شناخته می‌شوند و پس از طرح شکایت، مسئول پیگیری پرونده و اجرای دستورات قضایی در یگان‌ها هستند. گاهی ممکن است به منظور روشن شدن زوایای مبهم پرونده‌ای دادرسی و دادگاه نظامی دستوراتی را مبنی بر بررسی و تحقیق در موضوعی خاص را صادر نماید که این دستورات می‌بایست توسط نمایندگان حقوقی و قضایی یگان‌ها به عنوان ضابطین نظامی انجام و گزارش آن سریعاً به مرجع قضایی اعلام گردد.

با عنایت به موارد مشروحه‌ی فوق یکی از دلایل افتراقی بودن دادرسی نظامی لزوم ارتباط سریعتر و آسانتر با یگان‌های نظامی می‌باشد که اصل سرعت در رسیدگی که شرح آن گذشت را در پی خواهد داشت.

### گفتار ششم: عدم لزوم رعایت برخی از تشریفات دادرسی

هر چند دادرسی نظامی دارای آیین دادرسی خاص بوده و آخرین قانون مصوب در این راستا قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۹۳ می‌باشد، منتها در مواردی که این قانون مسکوت باشد می‌بایست به قانون عام یعنی قانون آیین دادرسی کیفری مراجعه نمود. بسیاری از موارد وجود دارد که به دلیل عدم صراحت در قانون خاص لازم است به قانون عام مراجعه نمود. به همین جهت مشترکات زیادی بین قانون خاص و قانون عام وجود دارد، اما تفاوت‌هایی هم بین این دو قانون است و در برخی از موضوعات تابع مقررات خاص خود گردیده است.

دادسراها و دادگاه‌های نظامی در عموم تشریفات دادرسی همانند دادرسی‌های عمومی عمل می‌نمایند. اما به دلایل متعدد رعایت این تشریفات برای نیروهای مسلح الزامی نبوده و مراجع قضایی نظامی می‌توانند شروع به رسیدگی نمایند. به عنوان مثال نیروهای نظامی می‌توانند با مکاتبه اداری با سازمان قضایی نیروهای مسلح و حتی بدون حضور نماینده حقوقی و بدون پرداخت هیچگونه هزینه‌ای بابت ثبت، نسبت به طرح شکایت اقدام نمایند که این روند کمک بسیاری در تسهیل روابط بین مراجع قضایی و یگان‌های نظامی می‌نماید. در حالی که طرح شکایت در مراجع عمومی دادگستری تابع ضوابط خاص خود همچون طرح شکایت در قالب اوراق متحدالشکل<sup>۱</sup>، حضور در نزد

---

۱. تبصره ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲

۲۲۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

ضابطین دادگستری و یا دادسرا و دادگاه<sup>۱</sup> و همچنین پرداخت مبلغی به عنوان هزینه ثبت شکایت<sup>۲</sup> می‌باشد.

همچنین مطابق با ماده ۵۷۵ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح هرگاه در اثر وقوع جرم، ضرر و زیان مادی به نیروهای مسلح وارد شود، یگان مربوط مکلف است تمام ادله و مدارک خود را به مرجع تعقیب تسلیم کند و نیز تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد. بنابراین نیروهای مسلح در مواقعی که خواهان ضرر و زیان ناشی از جرم باشند نیازی به پرداخت هزینه دادرسی نمی‌باشد، هر چند سایر تشریفات تابع قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد.

### گفتار هفتم: لزوم تشدید برخورد قضایی

مشمولین قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح صرف نظر از بسیج و کارکنان وظیفه، یا نظامیانی می‌باشند که در زمینه امنیت خارجی فعالیت دارند و یا کارکنان نیروی انتظامی هستند که در زمینه حفظ امنیت و آرامش داخلی فعالیت می‌نمایند و هر دو آن‌ها ملزم به تبعیت از قوانین جاری کشور هستند. این الزام در خصوص کارکنان انتظامی به مراتب بیش از کارکنان نظامی وجود دارد و دلیل آن هم این است که کارکنان نیروی انتظامی نه تنها خود موظف به اجرای قانون می‌باشند بلکه مسئولیت نظارت بر حسن اجرای قانون توسط افراد جامعه و برخورد با متخلفین را نیز بر عهده دار می‌باشند. ماده ۳ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۶۹/۴/۲۶ هدف از تشکیل این نیرو را استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و

---

۱. بند الف ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲

۲. ماده ۵۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲



فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران دانسته است.

لذا از افرادی که خود مسئول استقرار نظم و امنیت داخلی و خارجی هستند انتظار بیشتری نسبت به سایرین وجود دارد که در اجرای قانون و پیشگیری از جرایم کوشا باشند. به همین جهت در صورت ارتکاب جرم نیز لازم است برخورد شدیدتری با آن ها صورت پذیرد. یکی از دلایلی که می توان به عنوان حکمت افتراقی بودن دادرسی نظامی مطرح نمود نیاز به تشدید برخورد قضایی با مرتکبین جرایم نظامی می باشد. در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح تعداد زیادی از جرایم وجود دارد که مختص افراد نظامی بوده و دارای مجازات خاص خود نیز می باشند، اما تعدادی دیگر از جرایم نیز هستند که به دلیل مشترک بودن با جرایم عمومی، این امکان وجود دارد تا بتوان مجازات آن ها را با یکدیگر مقایسه نمود و به خفیف یا شدیدتر بودن آن پی برد.

به عنوان نمونه مجازات دو جرم ارتشاء و اختلاس را بررسی می نمایم تا ببینیم که مجازات کدام یک از آنان شدیدتر می باشد. در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵، مجازات شخص مرتشی را بر حسب مبلغ ارتشاء تعیین و اعلام نموده در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون ریال باشد، مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیر کل یا هم طراز آن باشد بجای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. بنابراین در این قانون، مجازات در نظر گرفته شده برای مبالغ بیش از یک میلیون ریال به صورت مطلق می باشد و فرقی بین مجازات بیش از یک میلیون ریال و ده میلیون ریال وجود ندارد، اما مطابق با ماده ۱۱۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح هرگاه قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال باشد به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل وجه یا قیمت مال مأخوذ و تنزیل دو درجه یا رتبه و هرگاه قیمت

۲۲۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

مال یا وجه مأخوذ بیش از ده میلیون ریال باشد به حبس از سه تا پانزده سال و جزای نقدی معادل وجه یا قیمت مال مأخوذ و اخراج از نیروهای مسلح محکوم می‌گردد. در خصوص جرم اختلاس نیز همین شیوه اتخاذ گردیده و قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری برای افرادی که مرتکب اختلاس تا مبلغ پنجاه هزار ریال گردند به شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شوند. اما در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح اعلام شده هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهاء مال مورد اختلاس بیش از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال باشد به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهاء مال مورد اختلاس و تنزیل دو درجه یا رتبه و هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهاء مال مورد اختلاس بیش از ده میلیون ریال باشد به حبس از سه تا پانزده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهاء مال مورد اختلاس و اخراج از نیروهای مسلح در نظر گرفته شده است.

با عنایت به موارد فوق نتیجه می‌گیریم که در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، ارتشاء و اختلاس به مبالغی بالاتر از ده میلیون ریال مجازات حبس به میزان دو تا ده سال را خواهد داشت، در حالی که در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح همین میزان اختلاس یا ارتشاء مجازات حبس به میزان سه تا پانزده سال در نظر گرفته شده است که نشانگر این است که قانونگذار نسبت به افراد نظامی حساسیت بیشتری از خود نشان داده و قصد تشدید برخورد با آنها را داشته که شرح دلایل آن قبلاً آورده شد.

### گفتار هشتم: داشتن ضوابط خاص در تخفیف و تبدیل مجازات

قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح را می‌توان قانون ماهوی اصلی در حیطه جرایم نظامی دانست که جرایم خاص نظامی در آن تعریف و میزان مجازات هر یک در آن مشخص گردیده است. منبع قانونی ماهوی دیگر در خصوص سایر جرایم عمومی نظامیان در حین خدمت که به دستور مقام معظم رهبری رسیدگی به آن‌ها در دادسرا و دادگاه نظامی تجویز گردیده است<sup>۱</sup>، قانون مجازات اسلامی می‌باشد که به هنگام مسکوت بودن قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به آن رجوع می‌شود. مطابق با ماده ۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۸۲ «دادگاه نظامی مکلف است در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر شده است به استناد این قانون حکم صادر نماید. ...» همچنین در تبصره ذیل این ماده آمده است «در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد چنانچه رسیدگی به آن جرم در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، دادگاه نظامی طبق قانون مربوط به آن جرم، تعیین کیفر می‌نماید...» از ماده ۲ این قانون چنین برداشت می‌شود که اولاً دادگاه نظامی مکلف است مطابق با قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به جرایم نظامیان رسیدگی نماید و در مواردی که عملی هم در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و هم در سایر قوانین کیفری جرم‌انگاری شده است را بر اساس قانون خاص خود محاکمه نماید. ثانیاً مراجع قضایی نظامی صرفاً هنگامی می‌توانند به سایر قوانین کیفری مراجعه و تعیین کیفر نمایند که قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در آن خصوص مسکوت باشد که این ماده به نوعی صلاحیت اضافی محاکم نظامی را در رسیدگی به جرایم عمومی حین خدمت نظامیان تجویز می‌نماید. به عنوان مثال جرم سرقت در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مختص سرقت اسلحه، مهمات، مواد منفجره متعلق به دولت و سایر اموال نظامی و غیرنظامی متعلق به دولت است، اما در خصوص سرقت از اموال افراد نظامی در حین خدمت و

۱. غلامحسین، الهام، حقوق جزای نظامی. تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۸۹، ص ۶۷.

۲۲۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

در مکان نظامی مسکوت می‌باشد. لذا چنانچه پرونده متهم به سرقت مال دیگری در حین خدمت و در مکان نظامی به محکمه نظامی ارجاع گردد، لازم است مرجع قضایی نظامی بر اساس قانون مجازات اسلامی به این اتهام رسیدگی و صدور حکم نماید. اما آنچه که اهمیت دارد این است که مجازات چه براساس قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح باشد و چه بر مبنای قانون مجازات اسلامی یا سایر قوانین کیفری، محاکم نظامی موظفند مجازات قانونی را مطابق با قانون خاص خود تخفیف دهند و یا تبدیل نمایند. این موضوع در ادامه‌ی ماده ۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح آمده است که می‌گوید «اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همین قانون خواهد بود.» یکی از عللی که در تحلیل و نقد افتراقی بودن دادرسی نظامی می‌توان مطرح نمود همین موضوع داشتن ضوابط خاص در زمینه تخفیف و تبدیل مجازات‌ها می‌باشد. قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح از اولین قانون‌هایی می‌باشد که در مواد متعددی در خصوص شیوه تخفیف و تبدیل صحبت کرده و آن را قانونمند کرده که در زمان تصویب خود در سایر قوانین وجود نداشته است و قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با الهام از این قانون نسبت به قانونمند کردن نظام تخفیف و تبدیل مجازات اقدام کرده است.

در مواد ۳، ۴، ۵ و ۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نحوه‌ی تخفیف و تبدیل مجازات‌ها را بر اساس مدت زمان حبس که به سه دسته‌ی تا دو سال حبس، بیش از دو سال تا پنج سال و بیش از پنج سال تقسیم شده را اعلام نموده است. در ذیل هر ماده نیز تخفیفات در نظر گرفته شده به دو دسته تقسیم شده و برای کارکنان پایور و کارکنان وظیفه به تفکیک مشخص گردیده است. به عنوان نمونه در ماده ۵ این قانون ذکر شده است در تمام مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «بیش از پنج سال» است دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف و یا به یکی از مجازات‌های ذیل متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید:

الف - در مورد کارکنان پایور:

- ۱- جزای نقدی از سی میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال
- ۲- محرومیت از ترفیع از دو سال تا چهار سال
- ۳- تنزیل یک تا دو درجه و یا رتبه
- ۴- انفصال موقت به مدت یک سال

ب - در مورد کارکنان وظیفه:

- ۱- جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال
- ۲- اضافه خدمت از شش ماه تا یک سال

مجازات‌های تبدیلی در نظر گرفته شده عبارتند از جزای نقدی، محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه، انفصال موقت و اضافه خدمت که جهات مخففه‌ی آن بر اساس ماده ۹ این قانون همان جهات مخففه قانون مجازات اسلامی است. با نگاهی دقیق به آن‌ها می‌توان پی برد که قانونگذار تا حد توان خواسته است که استفاده از مجازات حبس در خصوص افراد نظامی به حداقل برسد به گونه‌ای که حتی دست قاضی پرونده را بازگذاشته است که میزان مجازات قانونی حبس را تا یک سوم حداقل قانونی نیز کاهش دهد. این اختیارات گسترده را می‌توان در حساسیت شغلی افراد نظامی در تأمین امنیت داخلی و خارجی توصیف نمود. زیرا اگر تعدادی از افراد نظامی که دارای تجربه و یا مسئولیت مهمی در نیروهای مسلح می‌باشند و ارتش، سپاه و یا نیروی انتظامی زمان و هزینه‌های زیادی را صرف آموزش و آماده سازی وی برای مقابله با تهدید داخلی و خارجی کرده باشد را به دلیل ارتکاب جرم فرضاً به پنج سال حبس محکوم کنند و این مدت زمان در خصوص آن‌ها اجرا گردد، قطعاً یگان‌های نظامی در عملکرد خود دچار مشکل شده و لازم است شخصی دیگر را با علم و تجربه وی جایگزین نمایند که کار بسیار مشکل و یا حتی غیرممکن خواهد بود. لذا قانونگذار حضور شخص نظامی را در محل خدمت و مأموریت خود بر مجازات حبس ترجیح داده تا هم مجازات در خصوص وی اجرا گردد و هم یگان‌های نیروهای مسلح را به دلیل نبود

۲۲۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

وی با مشکل دچار نسازد. یکی از مصادیق بارز این مجازات حبس با خدمت می‌باشد که در ماده ۱۱ قانون آمده است.

در این ماده گفته شده دادگاه‌های نظامی می‌توانند به درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان و رعایت مقررات مربوط به زندان باز و نیمه باز مدت حبس وی را که بیش از یکسال نباشد به حبس با خدمت تبدیل نمایند. در این صورت محکومان مذکور به یگان مربوط یا مراکزی که نیروهای مسلح برای خدمت تعیین می‌کنند معرفی شده و پس از پایان خدمت روزانه در بازداشتگاه یگان یا مرکزی که تعیین شده نگهداری می‌شوند و شخص نظامی هم خدمت خود را انجام می‌دهد و هم اینکه مدت مجازات خود را طی می‌نماید. ضمن اینکه در طول این مدت از حقوق و مزایا و ترفیعات و سوابق بازنشستگی خود نیز محروم نخواهد شد.

ماده ۷ نیز در خصوص نحوه تخفیف و تبدیل مجازات‌های غیر از حبس به سایر مجازات‌ها می‌باشد که به شیوه‌ی زیر تخفیف و تبدیل می‌گردد:

الف - مجازات اخراج از خدمت یا انفصال دائم از خدمت و یا خدمات دولتی به تنزیل دو درجه و یا رتبه

ب - مجازات تنزیل دو درجه یا رتبه به تنزیل یک درجه یا رتبه

ج - مجازات تنزیل یک درجه یا رتبه به شش ماه تا دو سال محرومیت از ترفیع

د - مجازات جزای نقدی یا انفصال موقت یا محرومیت از ترفیع یا اضافه خدمت تا

نصف حداقل مجازات قانونی آن

ه - مجازات شلاق تعزیری به یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال جزای نقدی

موضوع دیگری که لازم است عنوان گردد این که قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح از باب متمیم مجازات نیز دارای مقررات خاص خود می‌باشد و صدور آراء تکمیلی نیز می‌بایست مطابق با این قانون صادر گردد. در ماده ۱۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح می‌خوانیم دادگاه‌های نظامی می‌توانند در جرائم تعزیری و بازدارنده

علاوه بر تعیین مجازات، به عنوان متمیم حکم، متهم را به یکی از مجازات‌های ذیل محکوم نمایند:

الف - در مورد کارکنان پایور:

۱- منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین از سه ماه تا دو سال.

۲- محرومیت از ترفیع از سه ماه تا یک سال.

ب - در مورد کارکنان وظیفه:

۱- اضافه خدمت حداکثر به مدت سه ماه.

۲- تنزیل یک درجه افسران و درجه‌داران وظیفه.

۳- منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین حداقل به مدت سه ماه و حداکثر تا پایان مدت خدمت وظیفه و در صورتی که باقیمانده خدمت دوره ضرورت کمتر از سه ماه باشد دادگاه می‌تواند مدت باقیمانده را مورد حکم قرار دهد.

بنابراین یکی دیگر از دلایل افتراقی بودن دادرسی نظامی برخورداری از نظام تخفیف، تبدیل و متمیم مجازات مستقل می‌باشد که بر اساس فلسفه‌ی خاص خود که حساسیت مأموریت نظامی و مرجح بودن آن بر اعمال مجازات می‌باشد تدوین گردیده است.

### گفتار نهم: برخورداری از مجازات‌های خاص

همان طور که قبلاً توضیح داده شد یکی از علل اختصاصی بودن دادرسی نظامی، داشتن ماهیت خاص جرایم نظامی می‌باشد که مفصلاً در خصوص معنا و مفهوم ماهیت خاص توضیحات لازم ارائه و عنوان شد که جرم انگاری در حیطة نیروهای مسلح بر اساس نوع مأموریت و ماهیت وظایف خاص نظامی صورت پذیرفته و قانون عملی را جرم شناخته است که به نظم و انضباط و عملکرد و مأموریت این نیروها آسیب وارد نماید. با نگاهی دقیق به جرایم مندرج در قانون، به راحتی به این نیت قانونگذار می

توان پی برد و می‌بینیم که در پشت پرده‌ی تک تک مواد قانونی فلسفه‌ی خاصی وجود دارد.

به عنوان مثال مسأله فرمانبری از مافوق، اصل پذیرفته شده‌ای در بین همه‌ی نیروهای نظامی در دنیا بوده و کسی نمی‌تواند مسأله لزوم فرمانبری از فرمانده را قبول نداشته باشد. انسان چون مختار است می‌خواهد تا آنجا که امکان دارد از اختیار خود استفاده کند و هر چه میل دارد انجام دهد. در یک یگان نظامی که هزاران نفر در آن جای گرفته‌اند حداقل هزاران نوع تمایل نیز وجود دارد، تمایلاتی که در بسیاری از مواقع با یکدیگر تعارض دارند. برای اینکه یگان‌های نظامی در این گیرودار نمانند باید فردی را به فرماندهی پذیرفت تا او حرف آخر را بزند و بقیه خود را با او تطبیق دهند و به سوی «اهداف سازمانی و مأموریتی» پیش روند؛ حال اگر حرف آخر اطاعت نشود، به خوبی روشن است که چه هرج و مرجی به وجود خواهد آمد. اگر فردی عاقلانه بیندیشد به خوبی خواهد پذیرفت که باید حرف آخر را که همان دستور فرمانده است قبول کرده، پیروی کند و الا هرج و مرج به وجود خواهد آمد.

زمانی در لشکر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دو نفر فرمانده وجود داشت، آن حضرت تصمیم گرفت که مالک اشتر را به عنوان فرمانده مافوق آنان نصب کند، آن حضرت در بخشی از حکم فرماندهی چنین نوشتند: و قد امرت علیکما و علی من فی حیزکما مالک بن الحارث الاشتر فاسمعاه و اطیعا و جعلاه درعاً و مجناً؛ مالک بن الحارث الاشتر را بر شما و بر آنان که زیر فرمان شما هستند امیر ساختم، گوش به فرمانش دهید و مطیع او باشید، او را زره و سپر خویش قرار دهید. امیرالمؤمنین پس از نصب مالک به فرماندهی به صراحت دستور می‌دهد که همه گوش به فرمان و مطیع او باشند.

بنابراین هنگامی که اطاعت و فرمانبرداری از فرمانده در یگان‌های نظامی تبدیل به یکی از اصول بنیادین می‌گردد لازم است که به منظور پاسداری از این اصل اقداماتی که



در مقابل آن قرار می‌گیرد توسط قانون جرم شناخته شود و برای عدم اجرا یا تمرد از دستور مجازات تعیین نماید.

همانطور که جرم‌انگاری در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح متناسب با عملکرد و مأموریت این نیروها صورت پذیرفته است، مجازات‌های در نظر گرفته شده در این قانون هم با مجازات‌های عمومی تفاوت داشته و بیشتر سراغ کیفرهایی رفته است که متناسب با اوضاع و احوال و شرایط یگان‌های نظامی باشد. این مجازات‌ها حتی اگر به عنوان مجازات اصلی جرم نباشد، قابلیت تبدیل به مجازات‌های خاص خود را خواهد داشت. بیشترین مجازاتی که در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به عنوان قانون اصلی در نظر گرفته شده است مجازات حبس می‌باشد، متناهی این حبس، هم قابل تخفیف و هم قابل تبدیل به مجازات‌های دیگر خواهد بود.

مجازات‌هایی که در خصوص نیروهای نظامی کاربرد دارد و مستند به مواد ۳، ۴، ۵ و ۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۸۲ در تمامی جرایم نیز قابل استفاده می‌باشد عبارتند از:

- ۱- جزای نقدی
- ۲- حبس با خدمت
- ۳- اضافه خدمت
- ۴- منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین
- ۵- محرومیت از ترفیع
- ۶- تنزیل درجه و رتبه
- ۷- انفصال موقت
- ۸- اخراج از خدمت

مجازات جریمه‌ی نقدی که در سایر قوانین نیز وجود داشته و مختص نیروهای مسلح نمی‌باشد. مجازات حبس با خدمت در ماده ۱۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح پیش‌بینی شده و عنوان گردیده دادگاه‌های نظامی می‌توانند به درخواست محکوم

۲۳۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

علیه و پیشنهاد دادستان و رعایت مقررات مربوط به زندان باز و نیمه باز مدت حبس وی را که بیش از یکسال نباشد به حبس با خدمت تبدیل نمایند. در این صورت محکومان مذکور به یگان مربوط یا مراکزی که نیروهای مسلح برای خدمت تعیین می‌کنند معرفی شده و پس از پایان خدمت روزانه در بازداشتگاه یگان یا مرکزی که تعیین شده نگهداری می‌شوند.

در خصوص مجازات اضافه خدمت نیز باید گفته شود که خدمت سربازی تحت عنوان خدمت زیر پرچم تلقی می‌گردد و عموماً از آن به خدمت مقدس سربازی یاد می‌گردد، اما به نظر برخی از حقوقدانان<sup>۱</sup>، در نظر گرفتن این خدمت مقدس به عنوان مجازات چندان معقول به نظر نمی‌رسد و به همین جهت لازم است در خصوص این نوع مجازات تجدیدنظری صورت پذیرد. هر چند در وادی عمل اضافه خدمت برای عموم کارکنان وظیفه مجازات شدید و سنگینی محسوب می‌شود و می‌تواند جنبه بازدارنده داشته باشد.

منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین نیز مجازاتی شبیه به تبعید بوده که از شش ماه تا یکسال در خصوص کارکنان پایور و یا تا پایان خدمت برای کارکنان وظیفه تعیین می‌گردد و فرد نظامی از محل خدمت خود یکی از یگان‌های مرزی یا دارای آب و هوای نامساعد و یا محروم منتقل می‌گردد و لازم است به مدت شش ماه تا یکسال و یا پایان خدمت وظیفه عمومی در آن محل خدمت نماید.

تنزیل درجه و محرومیت از ترفیع مجازات‌های خاص نیروهای نظامی بوده و به دلیل اینکه اخذ ترفیع و درجه مطابق با مقررات مذکور در قوانین استخدامی عموماً پس از چهارسال خدمت قابل قبول و گذراندن دوره‌های خاص و کسب نمره قبولی و داشتن شرایط لازم صورت می‌پذیرد در نیروهای مسلح ارزشمند تلقی و محرومیت از ترفیع و یا تنزیل درجه مجازات‌های سنگینی در یگان‌های نظامی محسوب می‌گردند. تنزیل درجه به معنای از دست دادن جایگاه و مقام و احترام سابق، شغل سازمانی

---

۱. الهام، غلامحسین، حقوق جزای نظامی، پیشین، ص ۶۱.

متناسب با درجه، حقوق و مزایای آن درجه و عقب افتادن از سایر دوره‌ها می‌باشد که تا پایان عمر خدمتی ادامه خواهد داشت و به نوبه خود همان طور که ذکر شد مجازات سنگینی محسوب می‌گردد.

انفصال موقت هم در سایر سازمان‌ها و مؤسسات دولتی وجود دارد و خاص نیروهای مسلح نمی‌باشد و حتی در برخی از موارد ممکن است شخص به انفصال دائم از خدمات دولتی نیز محکوم گردد اما در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مجازاتی تحت عنوان انفصال دائم از خدمات دولتی پیش‌بینی نگردیده است و شدیدترین مجازات در حیطه اداری و استخدامی اخراج از خدمت می‌باشد.

بنابراین یکی دیگر از دلایل و علل افتراقی بودن دادرسی نظامی وجود مجازات‌های اختصاصی برای نیروهای مسلح می‌باشد که حسب نوع جرم و شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرم توسط قاضی پرونده که خود نیز نظامی بوده و نسبت به جرم و مجازات و عرف نیروهای مسلح آگاهی و آشنایی کامل دارد تعیین و اعمال می‌گردد. نکته‌ی مهمی که لازم است در اینجا ذکر گردد این که جرایم مذکور در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح با هدف پاسداری از نظم و انضباط عمومی نیروهای مسلح است و جزو جرایم حدود، قصاص و دیات نبوده و می‌توان آن‌ها را در ذیل عنوان مجازات‌های تعزیری و بازدارنده دسته‌بندی نمود. به همین جهت آنچه که واجد اهمیت می‌باشد حفظ نظم، انضباط، قدرت، عملکرد و سرعت عمل یگان‌های نظامی می‌باشد تا بتوانند در انجام وظایف و مأموریت قانونی خود در پاسداری از مرزهای سرزمینی و خاک کشور و حفظ امنیت در مقابل تجاوز دشمن بالاترین بازخورد را داشته باشند و چه بسا در برخی از مواقع این ارزش‌ها و اهداف بر اعمال مجازات قانونی و برخورد با متخلفین ارجحیت داشته و لازم باشد دست قاضی رسیدگی کننده به پرونده در اعمال مجازات و تبدیل و یا تخفیف آن به نسبت قاضی دادگاه‌های عمومی بازتر باشد تا اهداف مهمتر و والاتر دنبال گردد.

### گفتار دهم: لزوم اطاعت‌پذیری بیشتر نیروهای نظامی از مرجع قضایی

مطابق با اصل بیستم قانون اساسی همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردار دارند. بنابراین هیچکس در مقابل قانون نسبت به دیگری برتری نخواهد داشت و شغل و صنف و مسئولیت افراد نمی‌تواند منجر به تفکیک افراد و یا تفاوت در برخوردهای قانونی شود. نظامیان هم همانند سایر افراد جامعه تابع قوانین و مقررات جاری کشور بوده و در صورت ارتکاب حتی کوچکترین تخلف و یا جرم، مسئولیت قانونی و کیفری خواهند داشت. اما نیروهای مسلح هر کشور با داشتن نیروی انسانی آموزش دیده و پیشرفته‌ترین اسلحه و مهمات قدرتمندترین نهاد هر کشور محسوب می‌گردد و هیچ نهادی از نظر قدرت همپای آن نخواهد بود. به گونه‌ای که اگر بنا به دلایل سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژی، قدرت طلبی و غیره نیروهای مسلح کشوری با هماهنگی و اتحاد در بین خود بخواهند کودتایی را علیه نظام سیاسی حاکم بر جامعه انجام دهند در مقابل آنها صرفاً مردم بی دفاع و حکومتی خواهد بود که هیچ سلاحی در اختیار خود نداشته و چاره‌ای جز تسلیم در برابر آنها را نخواهد داشت. کما اینکه در طول تاریخ و حتی جهان معاصر مکرراً در کشورهای مختلف که دچار ضعف نظام سیاسی شده‌اند این اتفاق افتاده است که در برخی از موارد نیز موفق بوده و نیروهای نظامی توانسته‌اند حکومت را به دست گیرند و بر مردم حکمرانی نمایند.

بنابراین همیشه این نگرانی وجود دارد که شخص نظامی خود را در حرم امنی ببیند که هیچکس نتواند جلودار وی باشد و از قدرت و امکاناتی که در اختیار اوست سوء استفاده نماید و در مقابل هر شخص و مرجعی بایستد و مقاومت نمایند. کما اینکه فرماندهان نیروهای نظامی به دلیل اینکه خود را در مسندی می‌بینند که تعداد افراد زیادی بی چون و چرا از آنها اطاعت‌پذیری داشته و از طرفی مسلح به انواع سلاح‌ها می‌باشند، اگر مرجع قضایی بخواهد در مقابل خودکامگی آنها بایستد و یا موانعی را

برای آن‌ها ایجاد و یا آزادی آن‌ها را محدود نماید ممکن است در نظر آن‌ها این اقدام ناخوشایند و سنگین جلوه نماید و به همین دلیل در مقابل آن مقاومت نمایند. عدم اجرای دستور قضایی هر چند جنبه کیفری داشته و برای آن مجازات تعیین شده است، اما به دلایلی که ذکر شد ممکن است توسط نیروی نظامی اجرا نگردد و بلا اقدام بماند. به همین جهت لازم است مرجعی وجود داشته باشد که نیروهای مسلح نسبت به آن اطاعت پذیری بیشتر و از عدم اجرای دستورات آن نگرانی و ترس بیشتری داشته باشند. بهترین راهکار در این خصوص ایجاد مرجع قضایی از جنس خود نظامیان می‌باشد که قضات حاضر در آن نظامی باشند و نسبت زیر و بم نیروهای مسلح، اخلاق و رفتار نظامیان، عرف حاکم بر نیروهای نظامی آگاهی کامل داشته باشند. فرد نظامی هنگامی که خود را در برابر مرجعی ببیند که ارتکاب حتی کوچک‌ترین تخلفی از قانون را بی مجازات نمی‌گذارد در هر رده و مقام و درجه‌ای که باشد هم نسبت به آن مرجع قضایی و هم نسبت به قانون تمکین بیشتری خواهد نمود. بنابراین یکی دیگر از دلایل لزوم داشتن دادرسی افتراقی برای افراد نظامی که می‌توان از آن یاد نمود لزوم اطاعت پذیری بیشتر نیروهای نظامی از مرجع قضایی می‌باشد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نیروهای مسلح را می‌توان از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین ارکان یک کشور دانست که نظام سیاسی و حاکمیت هر کشور بر پایه‌ی آن قرار گرفته و ضامن آسایش و امنیت ملت می‌باشد. نیروهای مسلح نیز بر دو پایه‌ی نیروی انسانی و تجهیزات استوار می‌باشد که میزان اقتدار آن بر اساس این دو عنوان قابل ارزیابی می‌باشد. بنابراین نیروهای مسلح کشوری قدرتمندتر خواهد بود که هم از نظر نیروی انسانی و هم از نظر تجهیزات و تسلیحات و مهمات بتواند بر رقبای خود پیشی بگیرد. آنچه که در این باب حائز اهمیت می‌باشد این است که شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرایم نظامی با جرایم عمومی که به مراتب در شرایط زمانی و مکانی

مساعدتری رخ می‌دهند کاملاً متفاوت می‌باشد و لازم است که قانون و مرجع رسیدگی کننده به این شرایط توجه داشته و با مدنظر قرار دادن آن‌ها با متهم برخورد نماید. بنابراین بهترین راهکار در برخوردی منصفانه با مجرمین نظامی ایجاد دادرسی افتراقی با برخورداری از قانون ماهوی خاص می‌باشد که هم شخص مجرم متنبه گردد و هم اینکه دست قاضی در صدور رأی منصفانه بازتر باشد. پس تفاوت مکان و زمان ارتکاب جرم نظامی با زمان و مکان اشخاص غیرنظامی از نظر شرایط جسمی و روحی حاکم بر آن، یکی از دلایل لزوم افتراقی و اختصاصی بودن دادرسی نظامی می‌باشد.

تخلفات و جرایمی که در نیروهای مسلح رخ می‌دهد عموماً جرایمی هستند که خاص یگان‌های نظامی می‌باشند. چنانچه بخواهیم جرایم نظامی را رده بندی نماییم می‌توان به دو دسته جرایم مشترک و جرایم خاص تقسیم نمود. دسته اول جرایمی هستند که بین نیروهای نظامی و غیرنظامی مشترک می‌باشند و ممکن است از سوی هر دو ارتکاب یابد. به عنوان مثال جرایمی همچون سرقت، آتش زدن و تخریب، سوء استفاده و جعل و تزویر از جرایمی هستند که هم شخص عادی می‌توان مرتکب شود و هم شخص نظامی، اما برخی از جرایم هستند که خاص افراد نظامی می‌باشد و ارتکاب آن از سوی افراد عادی یا غیرممکن می‌باشد و یا اینکه اگر هم مرتکب آن شوند مجازات نخواهند شد. به عنوان مثال جرایمی همچون فرار از خدمت، اهانت به مافوق، ترک پست نگهبانی، لغو دستور، خودزنی و تمارض را می‌توان از جرایم خاص افراد نظامی معرفی نمود که ارتکاب آن‌ها توسط افراد عادی غیرممکن و فاقد جنبه کیفری می‌باشد. لذا خاص بودن ماهیت جرایم نیروهای مسلح دلیل دیگری است که داشتن دادرسی خاص را اقتضاء می‌نماید.

سرعت در رسیدگی به جرایم نیروهای نظامی یکی دیگر از علل افتراقی بودن دادرسی نظامی می‌باشد. با توجه به اینکه اصل سرعت و پویایی یکی از اصول بسیار مهم در نیروهای مسلح است، سرعت در رسیدگی به جرایم از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد. حجم بسیار بالای پرونده‌های قضایی در دادگاه‌های عمومی منجر به آن شده

است که رسیدگی به جرایم عمومی در برخی از مراجع، بیش از یکسال زمان ببرد. این اطاله‌ی دادرسی منجر به اختلال در امور نیروهای نظامی شده و ممکن است فرد نظامی را به مدت یک یا دو سال درگیر روند رسیدگی به پرونده نماید. حال اگر این فرد به مناطق دیگر مأمور یا اعزام گردد مشکلات دو چندان شده و هم رسیدگی به پرونده با اختلال مواجه خواهد شد و هم اینکه شخص نظامی و یگان خدمتی وی نیز در امر خدمتی خود با مشکل برخورد خواهند نمود. بنابراین اگر جرایم نظامی در دادگاه‌های خاص خود تحت رسیدگی قرار گیرند جدای از دقت، سرعت در رسیدگی نیز افزایش خواهد داشت و مشکلات مذکور دیگر وجود نخواهد داشت.

حفظ کرامت و شئون نظامی دلیل دیگری است که افتراقی بودن دادرسی نظامی را مطالبه می‌نماید. همان طور که در ذیل عنوان مربوط اعلام شد، افرادی که در کسوت نظامی می‌باشند و ملبس به یونیفورم ارتش، سپاه و نیروی انتظامی هستند، در بین عموم افراد جامعه از احترام خاصی برخوردارند که این احترام نشأت گرفته از وظایف، مأموریت‌ها، اهداف و آرمان‌های والای آنان در حفظ امنیت داخلی و خارجی و فراهم نمودن آسایش و آرامش می‌باشد. ارتکاب تخلف و جرم توسط حتی یک فرد نظامی در انظار عمومی جدای از جنبه فردی، منجر به آسیب به شأن و منزلت نیروهای مسلح در جامعه خواهد شد. به همین دلیل است که ارتکاب اعمال و رفتارهای خلاف شئون نظامی که منجر به پایین آوردن منزلت نیروهای مسلح می‌گردد جرم‌انگاری شده و دارای مجازات می‌باشد. لذا لازم است رسیدگی به جرایم این افراد در مرجع خاص و به دور از چشم جامعه صورت پذیرد تا جایگاه نیروهای مسلح که پاسداران قانون بوده و به فرموده‌ی فرماندهی کل قوا نمادی از نظام و حاکمیت جمهوری اسلامی می‌باشد تنزل ننماید.

دارا بودن ماهیت خاص، سرعت در رسیدگی، لزوم داشتن دانش و تجربه‌ی نظامی، حفظ کرامت و شئون شغلی و لزوم حفظ اسرار و اطلاعات نظامی و محرمانه بودن که شرح آن گذشت را می‌توان به عنوان علل و عوامل اصلی افتراقی بودن دادرسی نظامی

دانست، اما فلسفه و چرایی این امر صرفاً به این موارد ختم نمی‌شود و بسیاری از دلایل دیگر را می‌توان در خصوص این بحث ارائه نمود. مواردی همچون تسهیل ارتباط نیروهای مسلح با مرجع قضایی، عدم لزوم رعایت برخی از تشریفات دادرسی، لزوم تشکیل دادگاه‌های نظامی در زمان جنگ، لزوم تشدید برخورد قضایی، داشتن ضوابط خاص در تخفیف و تبدیل مجازات، برخورداری از مجازات‌های خاص، لزوم داشتن ضابطین خاص، لزوم داشتن بازداشتگاه‌ها و زندان‌های خاص، لزوم اطاعت پذیری بیشتر نیروهای نظامی از مرجع قضایی و رعایت برخی از تشریفات قانونی در خصوص اتهامات فرماندهان را می‌توان از دیگر دلایل در موضوع افتراقی بودن دادرسی نظامی یاد نمود که شرح مفصل هر یک از این موارد قبلاً ارائه شد.

حقوق جزای نظامی ایران که تابع نظام دادرسی اختصاصی به عنوان یکی از نظام‌های مورد تأیید کشورهای توسعه یافته می‌باشد را می‌توان یکی از عوامل موفقیت و اقتدار نیروهای نظامی ایران دانست که در راه تعالی و پیشرفت آن بی تأثیر نبوده است. اما نمی‌توان این ادعا را مطرح نمود که حقوق جزای نظامی و به طور خاص دادرسی نظامی عاری از هرگونه عیب و نقص می‌باشد و در وادی عمل و اجرا کاملاً موفق بوده است. لذا ارائه‌ی راه کارها و پیشنهادات از سوی مجریان قانون، سازمان قضایی نیروهای مسلح، اساتید و دانشجویان و همچنین مطالعات تطبیقی در سایر نظام‌های حقوقی به خصوص نظام‌های موفق دنیا می‌تواند راه را برای پیمودن هر چه سریع‌تر به سمت دادرسی دقیق، سریع و منصفانه هموار سازد.

یکی از پیشنهاداتی که در حوزه تدوین قوانین و مقررات دادرسی نظامی می‌توان مطرح نمود ادغام قوانین شکلی و ماهوی در قالب یک قانون منسجم و یکپارچه می‌باشد. هر چند در بسیاری از کشورها این ادغام و یکپارچگی وجود ندارد، اما امروزه در کشورهای توسعه یافته با حفظ ویژگی‌ها و اصول و مقررات افتراقی حاکم بر مقررات شکلی و ماهوی تلاش می‌کنند تا در یک قانون منسجم و یکپارچه به تدوین مقررات شکلی و ماهوی بپردازند. به نظر می‌رسد سودمندی چنین شیوه‌ای برای یکپارچه سازی



مقررات شکلی و ماهوی نظامی ایران نیز مفید باشد. این روش از یک سو، باعث انسجام و یکپارچگی این مقررات می‌شود و از سوی دیگر از تصویب مقررات متعارض و نادرست پیشگیری می‌کند. همان‌طور که می‌دانیم تصویب و اصلاح مقررات شکلی و ماهوی نظامی ایران در زمان‌های گوناگونی صورت گرفته است و همین امر باعث می‌شود که مجلس‌های قانونگذاری با سلیقه‌ها و رویکردهای مختلف در آن دست داشته باشند، مثلاً قانون شکلی تحت تأثیر یک نگرش تصویب می‌شود و چند سال بعد، قانون ماهوی با رویکرد دیگری تصویب می‌شود. همین امر می‌تواند منجر به تصویب مقرراتی شود که چندان با هم سازگار نبوده و همدیگر را تحت پوشش قرار ندهند. با این استدلال به نظر می‌رسد مقنن ایران نیز می‌تواند مقررات شکلی و ماهوی نظامی را در یک قانون منسجم تصویب کند و تلاش لازم برای هماهنگی میان مواد آن بنماید.

پیشنهاد دیگری که در خصوص دادرسی نظامی قابل ذکر می‌باشد موضوع صلاحیت مراجع قضایی نظامی می‌باشد. هر چند در سال ۹۳ قانون جدید آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح تصویب و به اجرا گذاشته شد، منتها مشکلات موجود بر سر صلاحیت‌های دادگاه‌های نظامی همچنان پابرجا می‌باشد و ابهامات و اختلاف نظرهای متعددی در این خصوص وجود دارد. مراجع قضایی نظامی همچنان در رسیدگی به برخی از جرایم رخ داده مردد بوده و با شک و تردید اقدام به صدور رأی می‌نمایند. ریشه و منشأ این مشکل را صرفاً در قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح می‌توان یافت که نسبت به ابهام زدایی و رفع اختلافات موجود در خصوص صلاحیت‌ها اقدامی انجام نداده است. قوانین موجود در بحث صلاحیت به عنوان جرایم صرفاً نظامی و جرایمی که ناشی از انجام وظیفه باشد اکتفا می‌نماید و نسبت به ملاک و معیاری واضح و صریح جهت تفکیک جرایم نظامی و عمومی امتناع ورزیده است. بهتر است قانون آیین دادرسی کیفری جرایم نیروهای مسلح نه تنها جرایم حین خدمت و صرفاً نظامی که ناشی از انجام وظیفه‌ی افراد نظامی می‌باشد را در صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی قرار دهد، بلکه جرایم حین خدمت و همچنین جرایمی را که در مکان نظامی رخ می‌

دهند را به صورت کامل در صلاحیت مراجع قضایی نظامی قرار دهد. در این صورت خواهد بود که در خصوص صلاحیت این مراجع اختلاف نظری رخ نخواهد داد. لازم به ذکر است در حال حاضر جرایم حین خدمت نظامیان به موجب اوامر صادره از فرماندهی کل قوا در صلاحیت دادگاه‌های نظامی قرار گرفته است، اما به منظور پایان دادن به این ابهامات لازم است در متن قانون نیز ذکر گردد.

با توجه به این که درجات نظامی از ارزش و اعتبار خاصی در بین افراد نظامی برخوردار می‌باشد و براساس کارآمدی، لیاقت و کسب شرایط مندرج در قوانین و مقررات مربوطه به افراد اعطاء می‌گردد، عموماً نوع ارتباط بین افراد نظامی نیز براساس همین درجات تعیین می‌گردد. لزوم اطاعت و فرمانبرداری زیردستان از درجات بالا و همچنین لزوم ادای احترامات نظامی نسبت به مافوق از جمله باید و نبایدهای نشأت گرفته از درجات نظامی می‌باشد که در نیروهای مسلح به خصوص ارتش از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. اما با توجه به این که دادیاران، بازپرس‌ها و دادرسین دادگاه‌های نظامی عموماً از بین حقوقدانان نظامی انتخاب و گزینش می‌گردند، در قوانین و مقررات دادرسی نیروهای مسلح در ارتباط با روابط فیما بین قاضی و متهم مسکوت می‌باشد. در حالی که در قوانین برخی از کشورهای دنیا و من جمله قانون کشور فرانسه که قسمتی از آن مورد بررسی قرار گرفت، یکی از شروط رسیدگی به جرایم این است که درجه قاضی نظامی از درجه متهم بالاتر باشد. این شرط متأسفانه در قانون دادرسی جرایم نیروهای مسلح ایران وجود ندارد و لذا دادیاری که مثلاً در درجه ستوان یکمی یا سروانی می‌باشد می‌تواند به اتهام سرگرد یا سرهنگ نیز رسیدگی نماید که این امر با توجه به ارزش درجات نظامی در نیروهای مسلح و لزوم احترام به ارشدتر، به نوعی دهن کجی و بی‌احترامی به درجه‌ی بالاتر می‌باشد. شاید در مقام عمل معاونت ارجاع مراجع قضایی نظامی از ارجاع پرونده متهمین به قضاتی که از درجه پایین‌تری برخوردار هستند امتناع نماید و دستورالعمل‌هایی در این خصوص وجود داشته باشد، منتها با توجه به اهمیت این امر، لازم است شرط لزوم بالاتر بودن درجه قاضی نظامی

نسبت به متهم در قوانین نیز گنجانده شود تا از ضمانت اجرای بالاتری نسبت به مقررات داخلی برخوردار گردد.

پیشنهاد قابل طرح دیگر در خصوص جرایمی می‌باشد که توسط افراد غیرنظامی علیه نیروهای مسلح ارتکاب یافته است. مطابق با قوانین جاری کشور افرادی که غیرنظامی هستند و علیه نیروهای مسلح مرتکب جرمی می‌گردند می‌بایست در مراجع کیفری عمومی محاکمه گردند و نیروهای مسلح همانند سایرین در این مراجع اقدام به طرح شکایت نمایند. این امر منجر به آن شده است که این نوع پرونده‌ها گرفتار یک پروسه طولانی رسیدگی همانند سایر پرونده‌ها شده و به دلیل اطاله‌ی دادرسی جنبه‌ی بازدارنده مجازات‌ها کم رنگ‌تر گردد، در حالی که قدرت، منزلت و شأن نیروهای مسلح که نمودی از اقتدار نیروهای نظامی کشور می‌باشد اقتضای آن دارد که ارتکاب جرایم علیه آن‌ها در یک روند سریع‌تر قرار گرفته و متهمینی که جرأت و جسارت ارتکاب این دسته از جرایم را به خود راه داده‌اند شدیدتر مجازات گردند. به همین جهت لازم است قوانین دادرسی نیروهای مسلح رسیدگی به جرایم این قبیل افراد را نیز در صلاحیت مراجع قضایی نظامی قرار دهند تا هم ضابطین نظامی اختیارات قانونی را در برخورد با چنین افرادی داشته باشند و هم اینکه مرجع رسیدگی کننده سرعت عمل، برخورد شدیدتر و رسیدگی جدی‌تری را نسبت به این امر داشته باشد.

۲۴۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

## فهرست منابع

۱. الهام، غلامحسین، حقوق جزای نظامی. تهران: انتشارات دادگستر. ۱۳۸۹
۲. اردبیلی، محمد علی، نگهداری تحت نظر، مجموعه مقالات جنایی، تهران: سمت. ۱۳۸۳
۳. اسکندری، محمدرضا، سیر تحول صلاحیت دادگاه‌های نظامی از سال ۱۳۱۸ الی ۱۳۷۳ در ایران، ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره ۳۱. ۱۳۸۱
۴. تدین، عباس، قانون آیین دادرسی کیفری نیروهای مسلح ایران و فرانسه، تهران: انتشارات خرسندی. ۱۳۹۴
۵. تدین، عباس. نگاهی به جرایم و مجازات‌های نیروهای مسلح ایران و فرانسه. تهران: خرسندی. ۱۳۹۰
۶. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری. تهران: شهردانش، ۱۳۹۵
۷. ساداتی، سید محمود. تاریخچه محاکم نظامی قبل از انقلاب اسلامی، ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره های ۹. ۱۳۷۷
۸. ساداتی، سید محمود. تاریخچه محاکم نظامی بعد از انقلاب اسلامی، ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره های ۲۵. ۱۳۸۰
۹. زراعت، عباس. تفکیک جرم نظامی و عادی و اثر آن در صلاحیت مرجع قضایی، ماهنامه ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره ۵۱. ۱۳۸۴
۱۰. عسکری، غلامحسین. دادرسی‌های اختصاصی کیفری. تهران: خرسندی. ۱۳۹۰